

Analyzing and investigating the consequences of land reforms in Iran with an emphasis on Karl Polanyi's Great Transformation Theory

S.Mahdi Sadatinejad*

Mohammadreza Salehi Vasigh**

Abstract

Agrarian reforms as a change in new forms of land ownership and social organization have a special place in understanding the contemporary history of Iran and the Islamic Revolution. In this regard and according to the importance of the years after land reforms and leading to the Islamic revolution, this research was conducted with the aim of investigating the economic and political consequences of land reforms with the approach of Karl Polanyi. Through the qualitative analysis of the social developments of the 40s and 50s and with library studies, this research provides a clear answer to the question of how the theoretical framework of Karl Polanyi's Great Transformation can clarify land reforms and its consequences for understanding the social developments of the years leading to the Islamic Revolution of Iran. have given. By examining land reforms and placing them in the context of macroeconomics and society, and by applying Polanyi's theoretical apparatus (Great Transformation), it was determined that these reforms in Iran in the 40s and 50s were not only successful, but also faced political and economic deadlock. The political consequences of the land reforms were the consolidation of the government apparatus of Mohammad Reza Pahlavi and the closing of the ways of influence of power for other classes and classes, and the economic consequences were the lack of success in productivity and the disruption of the balance of people's living conditions.

Keywords: land reforms, Islamic revolution, economic-political perspective, the great transformation, Karl Polanyi.

* Assistant Professor of Political Thought, University of Tehran (Corresponding Author), msadatinejad@ut.ac.ir

** Ph.D.in political thought, University of Tehran, mo.rezasalehi@ut.ac.ir

Date received: 15/07/2023, Date of acceptance: 25/01/2024





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل و بررسی پیامدهای اصلاحات ارضی در ایران با تأکید بر نظریه دگرگونی بزرگ کارل پولانی

سیدمهدی ساداتی نژاد*

محمدرضا صالحی وثیق**

چکیده

اصلاحات ارضی به عنوان تغییر در اشکال جدید زمین داری و سازمان‌دهی اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در فهم تاریخ معاصر ایران و انقلاب اسلامی دارد. در همین راستا و بنا به اهمیت سال‌های بعد از اصلاحات ارضی و منتهی به انقلاب اسلامی، این مقاله باهدف بررسی پیامدهای اقتصادی و سیاسی اصلاحات ارضی با رویکرد کارل پولانی انجام گرفت. این تحقیق از طریق تحلیل کیفی تحولات اجتماعی دهه ۴۰ و ۵۰ و با مطالعات کتابخانه‌ای، به این پرسش که چهارچوب نظری دگرگونی بزرگ کارل پولانی چگونه می‌تواند اصلاحات ارضی و پیامدهای آن را برای درک تحولات اجتماعی سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی ایران روشن کند، پاسخ مشخصی داده است. با بررسی اصلاحات ارضی و قرار دادن آن در متن اقتصاد کلان و جامعه، و با به‌کارگیری دستگاه نظری (دگرگونی بزرگ) پولانی مشخص گردید که این اصلاحات در ایران دهه ۴۰ و ۵۰ نه تنها موفق نبود، بلکه از نظر سیاسی و اقتصادی با بن‌بست مواجه شد. پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی متصلب شدن دستگاه دولتی محمدرضا پهلوی و بسته شدن راه‌های نفوذ به قدرت برای سایر اشرار و طبقات بود و پیامدهای اقتصادی نیز، عدم موفقیت در بهره‌وری و برهم خوردن تعادل وضعیت معیشتی مردم بود.

کلیدواژه‌ها: اصلاحات ارضی، انقلاب اسلامی، دیدگاه اقتصادی-سیاسی، دگرگونی بزرگ، کارل پولانی.

* استادیار اندیشه سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، msadatinejad@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشگاه تهران، mo.rezasalehi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵



۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین نقاط تاریخ ایران که بر سیاست، اقتصاد، معیشت، کشاورزی، دیپلماسی، طبقات اجتماعی، و در مجموع بر ساختار توزیع ثروت و قدرت در ایران تأثیر گذاشت، اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ هست که همچنان موضوع بسیاری از پژوهش‌ها و کنفرانس‌های علمی است. در کنار بسیاری از علل فرهنگی، اجتماعی و همچنین جایگاه ویژه دین در فهم ماهیت انقلاب اسلامی؛ اصلاحات ارضی و پیامدهای اقتصادی و سیاسی ناشی از آن در چهارچوب دگرگونی بزرگ کارل پولانی توضیح‌دهنده نقش عوامل اقتصادی و سیاسی برای درک شرایط قبل از انقلاب اسلامی و فهم وقوع آن بوده است. درحقیقت، دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را می‌توان آغاز دوره جدیدی برای ایران تلقی نمود؛ دورانی که کم‌کم مقدمات وقوع انقلاب اسلامی فراهم شد، چراکه اقدامات دولت نه‌تنها در اقتصاد، بلکه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز با پیروی از الگوهای توسعه سرمایه‌داری وابسته دنبال می‌شد. به‌رغم تلاش‌های فراوان در امر توسعه صنعتی، «عواملی همچون ادغام همه‌جانبه اقتصاد در اقتصاد جهانی، تک‌محصولی بودن، فقدان امنیت قضایی و حقوقی و عدم توجه بخش‌های خصوصی و دولتی به وضعیت داخلی؛ مانع پیشرفت کشور در زمینه‌های صنعتی گردیدند» (ازغندی، ۱۳۹۷: ۳۷۸ و ۳۸۰). درحقیقت، «مشخصه دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۵۰ شمسی را می‌توان سیاست‌های اصلاحی محمدرضا پهلوی دانست» (امانت، ۱۴۰۰: ۶۲۹). تقسیم اراضی در سه مرحله جداگانه و در طول ۱۰ سال صورت گرفت، نظام کشاورزی ایران را که ویژگی آن وجود مناسبات فئودالی میان مالکان غیابی و زارعان سهم‌بر بود، تغییر داد و تقریباً نیمی از خانواده‌های روستایی را مالک دست‌کم قطعه زمینی کوچک^۱ کرد. بااین‌حال، در نتیجه این اصلاحات دهقانان بدون حق نسق بازهم بدون زمین باقی ماندند و فقیرتر شدند. دهقانان متوسط وضع بهتری پیدا کردند و بر تعداد آن‌ها افزوده شد (فوران، ۱۳۸۹: ۴۷۵-۴۷۵). بنابراین این اصلاحات، در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی، پیامدهای بسیاری برجای گذاشت که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم زمینه‌ساز تحولات منتهی به انقلاب اسلامی گردید که در این پژوهش به آن می‌پردازیم. این تحقیق می‌تواند دارای نکات و حتی درس‌هایی برای ایران امروز به‌ویژه در زمینه برنامه‌های توسعه و کارآمدی مناسب‌تر آن‌ها باشد؛ مسئله‌ای که کلید فهم موانع و ارائه راهکارهایی برای هموار ساختن مسیر پیشرفت است.

۲. پیشینه پژوهش

در آثار و منابع مختلف، اصلاحات ارضی و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفته است، اما دیدگاه منسجم و مرتبطی که تحولات سیاسی و اقتصادی را از چشم‌انداز تئوریک بنگرد و نشان دهد که چگونه استبداد محمدرضا پهلوی با مسئله اصلاحات ارضی پیوند دارد و یا همچنین بن بست اقتصادی اصلاحات ارضی چگونه قابل تبیین است، صورت نگرفته است. باین حال، اشاره به برخی از این پژوهش‌ها به‌عنوان پیشینه تحقیق فضای این تحقیقات را روشن می‌نماید. در تحقیقی که در ۱۴۰۱ با عنوان تأثیر اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ توسط کشیشیان سیرکی و نیرومند آلانکس با موضوع حاشیه‌نشینی و اعتراضات سیاسی-اجتماعی در ایران مورد بررسی قرار گرفته، با استفاده از نظریه‌های والت ویتمن‌روستو، آندره گوندرفرانک و امانوئل والرشتاین نشان داده شده که جدا از اراده حکومت‌ها، همواره یک سری تحولات ساختاری موجبات تغییر شرایط می‌شود. در همین زمینه اصلاحات ارضی موجب تحرک اجتماعی، جابجایی جمعیتی و پیدایش حاشیه‌نشینی در حومه شهرهای بزرگ گردید. این پژوهش تأثیرات اصلاحات ارضی بر جنبه‌های اجتماعی زندگی مردم را با توجه به نظریه‌های گفته شده بررسی کرده است. در تحقیق دیگری با عنوان بررسی تأثیر سیاست‌های توسعه‌ای پهلوی دوم بر طبقات اجتماعی در ایران توسط ذوالفقاری و همکاران در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که دولت محمدرضا شاه سعی در کنار زدن طبقات بانفوذ و تاریخی با تأکید بر برنامه‌های توسعه نموده است. شاه با اصلاحات ارضی؛ بر آن شد در میان دهقانان، روشنفکران و طبقه سرمایه‌داری صنعتی پایگاه قدرتمندی ایجاد کند. این پژوهش در پی ارزیابی تأثیر سیاست‌های محمدرضا شاه و نقش آن بر روی طبقات اجتماعی بوده و بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی اصلاحات ارضی در کوتاه‌مدت تمرکز داشته است. در پژوهش دیگری با عنوان تأثیر پیامدهای انقلاب سفید در رخداد انقلاب اسلامی ایران نوشته انصاری در سال ۱۳۹۸ نشان داده شد که با اجرای انقلاب سفید تغییراتی از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاصل شد اما طبقه دهقان و کارگر با توجه به شرایطی که در جامعه به وجود آمده بود به گروه‌های مخالف حکومت پیوستند و در سرنگونی حکومت پهلوی نقش ایفا کردند. این پژوهش به همه اصول انقلاب سفید همچون اصلاحات ارضی به‌صورت کلی نگاه داشته و پیامدهای آن را بر رخدادهای منتهی به انقلاب اسلامی بدون در نظر گرفتن چارچوبی خاص (برخلاف پژوهش حاضر) تحلیل و بررسی کرده است.

علاوه بر موارد فوق‌الذکر، می‌توان به سایر پژوهش‌ها همچون پژوهش انجام‌شده توسط رضائزاد و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان روایتی مقایسه‌ای از زمین و سیاست در دوران حکومت پهلوی دوم؛ موسی‌نژاد و خرمشاد (۱۳۹۷) با عنوان انقلاب اسلامی ایران و زمین؛ پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران؛ امامی‌خویی و ضیایی (۱۳۸۷) با عنوان اصلاحات ارضی و تأثیرات اقتصادی آن بر جامعه کشاورزی ایران و غیره اشاره نمود که از منظرهای مختلف به توصیف و تحلیل ساختار اصلاحات ارضی و پیامدهای آن بر حوزه‌های مختلف به‌طورکلی اشاره داشته‌اند. اما نکته اساسی و قابل‌تأمل این است که در پژوهش‌های صورت گرفته مسئله اصلاحات ارضی به‌طور مشخص در متن اقتصاد کلان و جامعه قرار داده نشده است. در پژوهش حاضر اصلاحات ارضی از زاویه توسعه سرمایه‌داری موردبررسی قرار گرفته و با نگاهی کلان که همه شئون جامعه را دربرمی‌گیرد به بررسی پیامدهای اساسی اصلاحات ارضی از دریچه نظریه دگرگونی بزرگ کارل پولانی پرداخته شده است.

۳. چهارچوب نظری: دگرگونی بزرگ کارل پولانی

کارل پولانی (Karl Polanyi) اغلب برای مورخان بیش‌ازحد جامعه‌شناختی، برای اقتصاددانان بیش‌ازحد تاریخی، یا برای محققان دانشگاهی بیش‌ازحد سیاسی تلقی می‌شود، به عبارتی رویکرد او تا حدی غیرمتعارف بوده است. از این رو با وجود اینکه دیدگاه او ابزار دقیق روش‌شناختی در اختیار محققان قرار نمی‌دهد، اما می‌تواند یک شاخص مهم برای درک تحولات اجتماعی ناهمگون و اغلب متناقض در زمان‌های گسست و دگرگونی باشد. کتاب "دگرگونی بزرگ" (the Great transformation) پولانی اثری مهم در جامعه‌شناسی اقتصادی و اقتصاد سیاسی است که در سال ۱۹۴۴ منتشر شد. دگرگونی بزرگ در این کتاب به تغییرات اجتماعی و اقتصادی که در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم روی داد، به‌ویژه با تمرکز بر ظهور اقتصادهای بازار و پیامدهای کالایی کردن کار و طبیعت تعریف می‌شود (Polanyi, 2001: 289). پولانی تحلیلی انتقادی از سرمایه‌داری مبتنی بر بازار ارائه می‌دهد که در این دوره ظهور کرد. بحث محوری «دگرگونی بزرگ» حول محور ایده «جنش مضاعف» می‌چرخد، پولانی معتقد است که با گسترش نیروهای بازار و تسلط بیشتر، جامعه به‌طور هم‌زمان به آن واکنش نشان داد تا از خود در برابر پیامدهای مخرب بالقوه بازارهای نامحدود محافظت کند (پولانی، ۱۳۹۹: ۲۵۵) این واکنش در تلاش برای ایجاد نهادهای اجتماعی و سیاسی برای تنظیم و کنترل بازار باهدف حفظ ارزش‌های اجتماعی و جلوگیری از استثمار نیروی کار و

طبیعت آشکار شد. پولانی سه کالای ساختگی را شناسایی می‌کند که به عقیده او برای عملکرد یک جامعه بازار بسیار مهم هستند: کار، زمین و پول (پولانی، ۱۳۹۹: ۱۵۳). او تأکید می‌کند که برخورد با آن‌ها به‌عنوان کالاهای صرفاً تحت تأثیر نیروهای بازار می‌تواند منجر به نابسامانی شدید اجتماعی شود. برای مثال، او از ایده بازار خودتنظیمی برای نیروی کار انتقاد می‌کند و استدلال می‌کند که فعالیت‌های اقتصادی ذاتاً در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی تعبیه شده‌اند و تلاش برای ازهم‌گسیختگی آن‌ها به خاطر بازار خود تنظیم‌کننده می‌تواند پیامدهای زیان‌باری داشته باشد.

این دیدگاه درچه مهمی برای درک «پیامدهای سیاسی و اقتصادی اصلاحات ارضی در ایران عصر محمدرضا پهلوی و تحلیل انقلاب اسلامی ایران از منظر اقتصادی و سیاسی» می‌باشد. به عبارتی موضوع این پژوهش می‌تواند بازتاب نیات اقتصادی و سیاسی پولانی در کتاب «دگرگونی بزرگ» باشد. همان‌طور که بیان شد دگرگونی بزرگ از نظر پولانی ظهور اقتصادهای بازار و پیامدهای کالایی کردن کار و طبیعت تعریف می‌شود که شامل گذار از روستا به شهر و از کشاورزی به صنعت است. لازمه این دو تحول بزرگ وقوع یک انقلاب نظامی و یک انقلاب ارضی است. این عمل باعث می‌شود عوامل تولید یعنی نیروی کار و زمین به کالا مبدل شوند. این دو تحول بزرگ لازمه آن چیزی بودند که اضافه محصول بخش کشاورزی فراهم می‌کرد و مقدمات و شالوده صنعتی شدن می‌شد و همچنین با بیدار کردن دهقانان موفق می‌شد تا زمینه‌های پیدایش نوعی از دموکراسی را پدید آورد. در این چارچوب، در ایران عصر محمدرضا پهلوی اصلاحات ارضی شکست خورد، چراکه کشاورزی آن، اضافه محصولی که لازمه صنعتی شدن بود را به‌هیچ‌وجه فراهم نکرد. آثار و نتایج اقتصادی اصلاحات ارضی حاکی از آن است که به‌طورکلی ۱۰ تا ۱۵ سال بعد از اصلاحات، نتایج یا صفر بود یا حتی منفی. همچنین از منظر سیاسی نیز اصلاحات ارضی زمینه دموکراسی و یا زمینه فعالیت مستقل برای دهقانان را فراهم نکرد و بالعکس اصلاحات ارضی مقوم نظام استبدادی تک‌نفره و اتوکراتیک (autocratic) محمدرضا شاه بود چون شاه از طریق اصلاحات ارضی به‌دنبال تغییر ترکیب طبقاتی جامعه و از بین بردن قدرت و نفوذ طبقه عمده مالکان و ایجاد ثبات سیاسی بود که با مخالفین جدی مواجه شد. این در حالی بود که از نظر پولانی در کشورهای غربی اصلاحات ارضی یک پایه طبقاتی اجتماعی جدیدی برای دولت فراهم آورد و یک نقطه مهم در پروسه شکل گرفتن دولت مدرن و دموکراتیزاسیون دستگاه دولت شکل گرفت. در ایران

شاهد این موضوع نبودیم و اگر اصلاحات ارضی از زاویه توسعه سرمایه‌داری در نظر گرفته شود، مشاهده می‌شود که این اصلاحات جایگاه ویژه‌ای نداشتند.

۴. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است، که با رویکردی جامعه‌شناختی و تحلیل تاریخی، به گردآوری اطلاعات با شیوهی کتابخانه‌ای پرداخته است. بدین صورت با توجه به رویکرد جامعه‌شناسانه و از منظر دیدگاه اقتصادی سیاسی کارل پولانی، اصلاحات ارضی تحلیل و فهم می‌شود.

۵. اصلاحات ارضی در ایران: کالایی‌سازی و سازمان‌دهی مجدد زمین

در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران که بیشترین انرژی، اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی جامعه در بخش کشاورزی متمرکز بود، اصلاحات ارضی نقطه شروع برنامه‌های توسعه روستایی قرار گرفت و بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ به اجرا درآمد. اصلاحات ارضی شامل تغییرات اساسی در نهادهای جامعه است، چراکه در جوامع کشاورزی نهاد مالکیت ارضی تنها به قلمرو مناسبات اقتصادی و بهره‌برداری از زمین منحصر نمی‌شود، بلکه روابط قدرت و مناسبات اجتماعی افراد را نیز دربردارد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۴۰). از این رو اصلاحات ارضی را می‌توان به‌عنوان یک نهضت اجتماعی که هدف آن سازمان‌دهی مجدد زمین به نفع کشاورزان است، تعریف نمود. بدیهی است تغییر روابط زمین‌داری متضمن تغییرات اساسی از جمله تغییر اراضی بزرگ، بهبود روابط اجتماعی در زمینه بهره‌برداری کشاورزی و تغییر روابط قدرت و ترکیب طبقاتی جامعه است (عجمی، ۱۳۴۸: ۲۵ و ۲۷؛ عیوضی، ۱۳۸۰: ۱۶۰). در بررسی ساختار جامعه ایران از دیدگاه اقتصادی و سیاسی، عامل حقوق ناشی از زمین یکی از مؤلفه‌های اساسی در تحلیل زندگی مردم به‌عنوان کشوری با پایه‌های کشاورزی بوده است (ملک‌محمدی، ۱۳۸۱: ۳۵). تا سده نوزدهم نظام زمین‌داری حاکم بر ایران، میراث مستقیم دوران صفوی بود و پیشینه آن از طریق دوره ایلخانان و سلجوقیان به سده‌های نخست اسلام بازمی‌گشت. پیروزی مشروطیت دوره تازه‌ای از تاریخ روابط طبقات مختلف اعم از مالک و متصرف زمین به وجود آورد و در قانون اساسی تنظیم‌شده مالکیت فردی نیز مورد توجه قرار گرفت. لمتون با این توصیفات اشاره‌ای به یکی از کمیسیون‌های مجلس در سال ۱۲۸۸ که برای

مطالعه مسائل اصلاحات اقتصادی پیش‌بینی شده بود کرده و حاصل کار این کمیسیون را اقدامات اصلاحی در مسأله زمین‌داری می‌داند (لمتون، ۱۳۷۷: ۳۳۱). هوگلاند نیز بر این باور است که اصلاحات ارضی نخستین بار در جریان انقلاب مشروطه، در سطح عمومی مطرح شد. تقسیم اراضی یکی از برنامه‌های حزب دموکرات، و اعضای مجلس دوم شورای ملی که طرفدار اصلاحات بودند مطرح شد (هوگلاند، ۱۳۸۰: ۷۷). با قدرت‌گیری رضاشاه، دوران تازه‌ای از تاریخ روابط میان طبقات مختلف اعم از مالک و متصرف زمین آغاز شد. از این دوره به بعد به علت نظام استبدادی، مالکیت دولتی اقتدار یافت و مالکیت خصوصی را ضعیف کرد و مالکان برای تثبیت حقوق مالکیت خود ناچار بودند که در مقابل استبداد بایستند. به‌رغم اصلاحات اداری نوین رضاشاه در مورد ثبت اراضی، مالکان در نتیجه افزایش مالیات زمین، انحصار دولتی خریدوفروش محصولات اصلی کشاورزی، از دست دادن قدرت سیاسی و در نتیجه امنیت مالکیت متضرر شدند (پهلوی، ۱۳۸۸: ۱۳۴). فوران معتقد است که در این دوره دولت کمترین توجهی به بهبود وضع کشاورزی نداشته و جز تلاش توأم با فساد مدیریت در مورد تقسیم املاک سلطنتی در سیستان، گامی در جهت اصلاحات ارضی برداشته نشده است (فوران، ۱۳۸۹: ۳۴۴). از ۱۳۲۰ به بعد، محمدرضا پهلوی تحت فشار مخالفت‌های ملی، مجبور شد زمین‌های سلطنتی غصب‌شده را تحت عنوان تقسیم املاک سلطنتی بفروشد (پهلوی، ۱۳۸۸: ۱۳۴). به‌طور کلی سابقه پافشاری برای انجام اصلاحات ارضی به انقلاب مشروطه برمی‌گردد؛ و در کل نظام ارضی پیش از اصلاحات ارضی ایران در سال ۱۳۴۱ با سه ویژگی اصلی الف: تمرکز زمین در دست تعدادی مالک غایب، ب: سهم‌بری به‌عنوان شکل غالب اجاره‌داری زمین. و ج: رواج فنون قدیمی و ابتدایی در تولید قابل مشاهده است (عمید، ۱۳۸۱: ۴۹).

در دهه ۴۰، کشاورزی پس از صنعت نفت، بزرگ‌ترین بخش اقتصاد ایران به‌شمار می‌رفت. طبقه دهقان شاغل در بخش کشاورزی بزرگ‌ترین بخش مردم ایران را تشکیل می‌داد، همچنین کشاورزی منبع درآمد ملاکین بود. طبقه ملاکین بزرگ، که عموماً متشکل از مالکانی بود که از روستا به شهر رفته بودند، شامل این افراد می‌شد: اعیان و فرزندان آنان، خان‌های ایلیاتی و فرزندان شهری آنان، نخبگان استانی و تاجران بازاری، اینان مجموعاً بیش از ۷۰ درصد زمین‌های زراعی مملکت را صاحب بودند. ۳۰ درصد باقیمانده زمین‌ها در اختیار خرده‌مالکان و کشاورزان مستقل عمدتاً در استان‌های شمالی و موقوفه‌های مذهبی بود. ابزار اول تولید و در نتیجه بخش عمده درآمدها سهم ارباب بود و دهقانان فقط سهم کار و گاو را می‌بردند و غالباً

هم دهقانان بودند که در وقت برداشت، بیشتر مالیات را به دولت می‌پرداختند (امانت، ۱۴۰۰: ۶۴۵). از همین روی، در چهارم خرداد ۱۳۳۹ قانون اصلاحات ارضی به هیئت دولت وقت ابلاغ گردید و در قالب رفرمی حکومتی تحت عنوان انقلاب سفید در دهه ۱۳۴۰ تداوم یافت (همایونی، ۱۳۵۱: ۲۱). در این فرم، مالکیت زمین‌های کشاورزی از دست بزرگ مالکان و اربابان درآمده و تحت شرایطی به کشاورزان واگذار گردید. در نتیجه اصلاحات ارضی، بسیاری از کشاورزان از طریق خرید قسطی یا اجاره‌های درازمدت مالک زمین‌هایی شدند که پیش‌ازین بر آن‌ها زراعت می‌کردند.

در شهریور ۱۳۴۱ با تصویب لایحه جدید انجمن‌های ایالتی و ولایتی در هیئت‌وزیران، شاه اصول شش‌گانه‌ای به نام اصلاحات اجتماعی به فرمانروم گذاشت. در تاریخ ششم بهمن ۱۳۴۱ مردم در یک همه‌پرسی سراسری به اصلاحات رأی مثبت دادند، یکی از اصول مهم شش‌گانه، اصلاحات ارضی بود که به دنبال تغییرات اساسی در نحوه مالکیت اراضی به‌ویژه اراضی کشاورزی به منظور افزایش بهره‌وری عمومی جامعه، توسط نخست‌وزیران علی‌امینی و اسدالله علم به تحقق پیوست. در آغاز اصلاحات ارضی، «نه دهقانان از پایین و نه بورژوازی از سطح میانی در آن مشارکت نجستند» (اشرف، ۱۳۹۳: ۲۱۵). با تصویب قانون اصلاحات ارضی و سپس قوانین اصلاحی و آیین‌نامه‌های آن، از جمله اصلاح قانون اصلاحات ارضی، آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاحات ارضی، قانون تقسیم و فروش اراضی مورد اجاره به زارعین مستأجر و قانون الحاق هشت ماده به آیین‌نامه اصلاحات ارضی طی سه مرحله در کشور انجام گرفت.^۱

۶. اهداف اقتصادی اصلاحات ارضی

در مقدمه قانون اصلاحات ارضی، اهداف اصلی و اساسی دولت از تصویب و اجرای قانون فوق چنین بیان شده است: «همگام با تحولات سریع اجتماعی و صنعتی ضرورت ایجاد می‌کند که برای تحکیم پایه‌های اقتصاد کشور و بهبود زندگی مردم این سرزمین، تحولی بزرگ در امر کشاورزی نیز پدید آید» بدین منظور لایحه اصلاحات ارضی تقدیم مجلس شورای ملی گردید که در آن دو مقصود اساسی وجود داشت، ابتدا ازدیاد تولید و دیگری تعمیم عدالت. اجرای برنامه‌های مربوط به اصلاحات ارضی موجب می‌شد مالکیت زمین‌های زراعی تعمیم یابد، از آب و خاک کشور بیشتر و بهتر بهره‌برداری شود، روش‌های تازه‌تری با سرعت و سهولت بیشتر در کشاورزی به کار رود، میزان محصول در واحد سطح مزروعی کشور توسعه یابد، و درحقیقت در روابط مالک و زارع، بر اساس عدالت و به تناسب سهم واقعی که هر یک

در امر تولید به عهده‌دارند، اصلاحات اساسی به عمل آید (فرهنگ، بی‌تا، ج ۶: ۵۲). ابتدا چنین برداشت شد که مهم‌ترین هدف از اجرای اصلاحات ارضی، کاهش فقر روستایی و تشویق توسعه کشاورزی است (عمید، ۱۳۸۱: ۱۳). اما، هدف اصلی رژیم از اجرای قانون اصلاحات ارضی، دستیابی به ازدیاد تولید بود. به گفته شاه، هدف از اصلاحات ارضی این نیست که با واگذاری سندی به دهقانان آنان صاحب زمین شوند، «خیر این‌ها افراد آزادی خواهند بود که با گردنی افراشته باروچی مستقل با امیدواری به آینده» هم صاحب زمینی خواهند بود که روی آن می‌کارند و هم این‌که «صاحب آینده خود و فرزندان خود و سهمیم در اداره فعلی و آینده مملکت نیز خواهند بود» (وزارت کشاورزی، اداره کل، اطلاعات و روابط عمومی، ۱۳۶۱: ۳۰۴). این کار باعث خواهد شد که کساد صنایع از بین برود و گردش ثروت سریع‌تر شود (ازغندی، ۱۳۹۷: ۲۱۰).

سیاست اصلاحی سال ۱۳۴۱، مالکان زمین را مجبور کرد که بخش اعظمی از زمین‌های خود را به دولت بفروشند تا دولت بتواند به‌نوبه خود آن را به دهقانان طبقه کارگر با نرخ تخفیفی بفروشد. اولین گام فرآیند اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ از طریق مجموعه‌ای از قوانین آغاز شد که مالکیت زمین را به یک روستا برای هر مالک زمین محدود می‌کرد (Looney, 1982: 45). مرحله دوم اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۳ تعدادی گزینه برای صاحبان زمین فراهم کرد، اما اساساً شامل بسیاری از سیاست‌های مشابه مانند گرفتن زمین از صاحبان زمین و فروش یا اجاره آن به دهقانان با نرخ‌های تخفیفی بود.^۳ برای از بین بردن مناسبات پیشین، بر اساس اصلاحیه ۲۳ دی‌ماه سال ۱۳۴۸ به قانون اصلاحات ارضی، دو راه‌حل به زارعان پیشنهاد شد. اول این‌که یا زمین زراعی بین مالک و اجاره‌داران به نسبت بهره مالکانه متداول تقسیم می‌شد و یا مالک زمین را به قیمتی برابر با ۱۲ سال اجاره به زارع می‌فروخت (خرم‌شاد و موسی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۶۶). هدف از این اصلاحیه، «یکپارچه کردن اراضی، افزایش بهره‌وری کشاورزی، افزایش درآمد زارعان و نیز بالا رفتن سطح زندگی آن‌ها بود» (ازکیا، ۱۳۶۵: ۱۱۷). درحقیقت، دولت از انجام اصلاحات ارضی به دنبال افزایش تولید، افزایش صادرات و بهبود معیشت روستاییان کشاورز بود ولی معایبی که اجرای آن داشت روند آن را به کل تغییر داد (عمید، ۱۳۸۱: ۱۳۰). بنابراین، اهداف اقتصادی مدنظر محمدرضا پهلوی از انجام اصلاحات ارضی افزایش صادرات، کاهش واردات محصولات کشاورزی، مکانیزه شدن کشاورزی، گذار از تک‌محصولی بودن و کشت محصولات فراوان بود.

۷. اهداف سیاسی اصلاحات ارضی

طراحان اصلاحات ارضی، اهداف چندگانه‌ای را دنبال می‌کردند که اهداف سیاسی و تحکیم اقتدار رژیم نیز از جمله این اهداف بود (امامی خوبی و ضیایی، ۱۳۸۷: ۶۱). محمدرضا پهلوی انتظار داشت اصلاحات ارضی سبب برقراری عدالت بیشتر، جلوگیری از وقوع انقلابی مارکسیستی، تضمین وفاداری و پشتیبانی همیشگی توده‌های فقیر از نظام پادشاهی (گرو، ۱۳۹۷: ۵۴) و تثبیت نظام سیاسی گردد. همچنین او به دنبال این بود تا با درهم شکستن قدرت زمین‌داران بزرگ و به‌کارگیری آن‌ها در مسیر صنعتی شدن کشور و درعین‌حال ظرفیت‌های موجود در جامعه روستایی، ایران را از تفکر شورش و انقلاب بازدارد (تجدد، ۱۳۷۸: ۵۱). ازغندی در همین ارتباط معتقد است علاوه بر تأثیر روانی اصلاحات ارضی، رژیم به دنبال نفوذ اداری و تشکیلاتی خود به‌وسیله تعاونی‌های روستایی، شرکت‌های سهامی زراعی، سپاهیان دانش و بانک کشاورزی در روستاها باهدف ایجاد پایگاه در میان دهقانان بود (ازغندی، ۱۳۹۷: ۲۰۸). در واقع آنچه از نظر سیاسی حائز اهمیت بود و دلیل اصلی رژیم برای سرکوب مالکان بزرگ به کار گرفته شد، قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری آن‌ها در سطح روستا بود که رژیم را بیشتر به اجرای برنامه اصلاحات ارضی تشویق کرد. مدیریت سیاسی برنامه اصلاحات ارضی (اختلافات بین ارسنجان‌ی وزیر کشاورزی با شاه و حتی نخست‌وزیر علی امینی) و تغییر رابطه سلطه به سود نهاد سلطنت در مرحله دوم اصلاحات ارضی و مواد الحاقی (مصوب سوم مردادماه ۱۳۴۳) آن قابل‌مشاهده است. طبق ماده اول مواد الحاقی مزبور، سه راه جلوی پای مالکان گذارده شد: یک-تمدید اجاره ملک از پنج سال به ۳۰ سال؛ دو-تقسیم ملک میان کشاورز و زارع بر مبنای سهم مالک و زارع از محصول؛ اما راه سوم مبنی بر «انتقال ملک به زارع با موافقت زارع» نوعی پس‌روی در روند اصلاحات ارضی بود، زیرا سبب می‌شد از مساحت اراضی شخم‌زده کاسته شود. قانون مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی امکان انتقال کامل اراضی به کشاورزان را محدود کرده بود (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۱۲۰-۸۲). احتمال داشت که دولت با توجه به خشم کشاورزان در کنگره کشاورزان در ۱۹ دی‌ماه سال ۱۳۴۱، تضعیف موقعیت مالکان و برخورد شدید کشاورزان با مالکان در نقاط مختلف کشور و نیز زمزمه تأسیس حزب دهقانی، ناگزیر شده بود محدودیت‌هایی را به نفع نظارت سیاسی از جانب نهاد سلطنت در برنامه اصلاحات ارضی منظور کند (آوری، ۱۳۷۱: ۱۸۹). شاه در مرحله دوم اجرای اصلاحات ارضی برای حفظ

تحلیل و بررسی پیامدهای اصلاحات ... (سیدمهدی ساداتی نژاد و محمدرضا صالحی وثیق) ۷۱

تعادل جامعه و جلوگیری از قدرت گیری روزافزون کشاورزان، کمی بر قدرت مالکان افزود و از شوق و شور کشاورزان کاست (رسولی پور، ۱۳۹۴: ۲۷۱).

از دیگر اهداف سیاسی مهم اصلاحات ارضی، پایان دادن به حاکمیت بلامنازع سیاسی و اجتماعی مالکان بزرگ و روسای قبایل بود. البته این ادعا که اصلاحات ارضی قدرت اقتصادی مالکان را همانند قدرت سیاسی آنان درهم شکست از نظر برخی رد می شود، چراکه معتقدند بسیاری از مالکان زمین های مزارعی خود را حفظ کردند و برخی دیگر با فروش زمین به صورت بازرگان، صاحبان صنایع و سرمایه داران بزرگ به فعالیت اقتصادی خود ادامه دادند (اسماعیلی و بیانی، ۱۳۸۹: ۱۸۶-۱۸۵). در جواب این ادعا باید گفت محمدرضا شاه قدرت مالکان بزرگ را شکست و قدرت را در دست خود متمرکز کرد و پایه های قدرت جدید را پایه ریزی کرد که بر بورژوازی بزرگ، تکنوکراسی و بروکراسی دولتی و همچنین بخش هایی از اقلیت میانی متکی بود، اما نکته اساسی اینجاست که دستگاه محمدرضا شاه از همه این اقلیت ها مستقل بود. به عبارتی اصلاحات ارضی از نظر سیاسی موجب جابه جایی بلوک قدرت در ایران شد، خلأ قدرت سیاسی و عدم پایگاه قدرت حکومت پهلوی در روستاها (قدرت بلامنازع در دست مالکین با حمایت روسای خوانین، عشایر و روحانیت بود) یکی از دلایل و اهداف سیاسی محمدرضا شاه برای اصلاحات ارضی بود. با اصلاحات ارضی قدرت این طبقات شکست و در دست رژیم قرار گرفت. در حقیقت، شاه با توجه به فشار دولت کندی، تجدید حیات جبهه ملی و این محاسبه که اصلاحات ارضی قدرت زمین دار را به نفع قدرتی در روستاها (مالکین و روسای خوانین) از بین خواهد برد، و روستائین های مالک زمین را به رژیم وفادار خواهد کرد، برنامه فوق را گسترش داد (فوران، ۱۳۸۹: ۴۷۳-۴۷۲). به طور ویژه اهداف سیاسی اصلاحات ارضی از سوی محمدرضا پهلوی، یکدست سازی قدرت، نفوذ قدرت مرکزی در تمام نقاط کشور از جمله روستاها و تک صد شدن زبان قدرت (زبان محمدرضا شاهی) بود.

۸. پیامدهای سیاسی و اقتصادی اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی واسطه اصلی دگرگونی کاپیتالیستی در روستاها بود. هرچند این اصلاحات تحت شعار «زمین از آن بزرگ» انجام شد و در نتیجه بنا بر آن بود که خصلت مساوات گرایانه ای داشته باشد، اما اجرای آن به نحوی بود که تقسیمات اجتماعی تازه ای در روستا و شهر به وجود آورد (هالیدی، ۱۳۵۸: ۹۵). پولانی باور داشت زمین کالای صرف نیست، بلکه یک منبع

ضروری است که عمیقاً در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تعبیه شده است، اصلاحات ارضی در ایران، به اندازه کافی این بافت اجتماعی و فرهنگی را در نظر نگرفت، و روابط و شیوه‌های سنتی مرتبط با زمین را مختل کرد و نتیجه آن پیامدهای سیاسی و اقتصادی نافرجام بود که به آن می‌پردازیم:

۱.۸ پیامدهای سیاسی

با انجام اصلاحات ارضی، شاه در نتیجه تلاش‌های خود برای مدرن‌سازی ملت، یک تقسیم اجتماعی ناخوشایند مبتنی بر طبقات را بین بخش‌های سنتی و مدرن جامعه ایجاد کرد. شاه به جای توزیع یکسان اصلاحات با تمرکز بر نوسازی صنعت و کشاورزی، بر یکی تمرکز کرد و باعث عدم تعادل در نظام طبقاتی کشور شد. قدرت از دست اشراف زمین‌دار خارج شد و به دست اشراف صنعتی تازه شکل گرفته منتقل شد. یکی از آثار اجرای اصلاحات ارضی، افزایش شدت مهاجرت روستاییان به شهرها بود (علاف آشتیانی، ۱۳۸۸: ۳۸). از بین رفتن طبقه بزرگ مالک در روستا، تغییر در ساخت و ترکیب قشر بندی روستاها در کنار نابودی تقریبی طبقه ارباب و بی‌علاقگی خوش‌نشینان^۴ از پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی بود که اتفاق افتاد (امیری و جمشیدی، ۱۳۹۸: ۶). بیکاران شهری، از جمله جمعیت روستایی بودند که برای شغل به شهرها مهاجرت کرده بودند، به دلیل شرایط بد زندگی که توسط اصلاحات شاه شکل گرفته بود، از خود بیگانه شدند. هزینه‌های بالای مسکن و تورم، انگیزه بسیاری از بیکاران و طبقه کارگر فقیر را برای نقل مکان به شهرک‌ها یا محله‌های فقیرنشین شهر برانگیخت. شاه به جای بررسی راه‌هایی برای حل معضل بیکاری که منجر به پیدایش شهرک‌ها شد، بر تخریب شهرک‌های قدیمی و کوچک متمرکز شد تا ظاهر بصری پارامترهای شهرها را بهبود بخشد. شاه با این کار مخالفت بزرگ‌تری ایجاد کرد، او بدون در نظر گرفتن تأثیری که چنین تغییراتی بر جمعیت می‌گذارد، سیستم را کاملاً تغییر داده بود. هجوم مهاجران بیکار باعث شد شهرها با نیروی کار فقیر، بیکار و عموماً غیرماهر انباشته شوند که در نتیجه پایگاه اپوزیسیون شاه را تقویت و گسترش داد. به نظر می‌رسید که شاه هیچ راه‌حلی برای این مشکل نداشت، زیرا تأثیر تلاش‌های مدرنیزاسیون او بر ملتی که عمدتاً ماهیتی کشاورزی داشتند، در نظر گرفته نشده بود، جمعیت شهری طبقه متوسط نیز در نتیجه اصلاحات اقتصادی شاه آسیب دیده بود. بخش بزرگی از طبقه متوسط تحصیل کرده بیکار بودند زیرا اقتصاد ایران به سادگی در حال شکستن بود و تنها بخش کوچکی از مردم ایران از این اصلاحات سود می‌بردند. روحانیون صاحب زمین، افراد

بیکار تحصیل کرده، بازرگانان، بانکداران، صنعتگران و مغازه‌داران در بازارها، همگی تحت تأثیر اصلاحات قرار گرفتند (Kojoori-Saatchi, 2010: 77).

سیاست‌های مدرنیزاسیون شاه دو بخش مجزا در ایران ایجاد کرد. کسانی که برای کسب درآمد به ابزارهای سنتی مانند کشاورزی، مالکیت زمین، فروش محصولات در بازار و غیره متکی بودند، درحالی که قشر مدرن جامعه به بانکداری، ارتباطات، مراکز خرید مدرن، آموزش و روش‌های کشاورزی نوین می‌پرداختند. این تغییر در نظام طبقاتی شکاف بین دو قشر جامعه را بیشتر کرد و باعث مخالفت بیشتر باسیاست‌های شاه شد (Kamali, 1998: 166-170). اصلاحاتی که شاه در دستور کار قرار داده بود و یکی از اهداف آن، تضعیف موقعیت و محدود ساختن قدرت گروه‌های اجتماعی سنتی نسبتاً مستقل مانند مالکین، بازاریان و علما بود، بر سیاست‌های محتاطانه شاه در برابر این گروه‌ها نقطه پایان گذاشت و واکنش گروه‌های مذکور به‌ویژه علما و بازاریان را علیه دولت برانگیخت (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۷۱-۲۷۰). درحالی که بازاریان شدیداً از عملکرد اقتصادی دولت ناراضی بودند، تقابل علما با رژیم شاه از اواسط سال ۱۳۴۱ به بعد زمینه را برای رویارویی جدی بازاریان با رژیم شاه تحت رهبری علما فراهم کرد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۱). به این مخالفت‌ها باید طبقه زحمتکش را نیز که با اصلاحات ارضی به عدالت اجتماعی دست‌نیافته بود اضافه کرد (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ۳۱).

اصلاحات ارضی به آرامی زندگی اجتماعی و در نتیجه، کل روستا را دگرگون کرد. در روستاها خانه‌های آجری مدرن ظاهر شد، خانه‌هایی با نور و امکانات بهداشتی بیشتر، باین حال بسیار بدساخت و نامتناسب با اقلیم بودند. لباس‌های غربی جای لباس‌ها و کلاه‌های سنتی روستایی را گرفت؛ رادیو و بعدتر تلویزیون، لهجه‌های محلی را عیب‌ناک کرد؛ اسباب و اثاثیه خانگی مدرن، سبک زندگی و حتی عادات تغذیه و سرگرمی را تغییر داد. این فرآیند ناگزیر تغییر، پیامدهای غیرمنتظره‌ای داشت: اکثریت جامعه از قید زمین آزاد شد، و این به‌نوبه خود موجب تغییرات عمیقی در ترکیب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران شد (امانت، ۱۴۰۰: ۶۴۹). بر اثر حذف قدرت‌های سنتی از روستاها، خلأیی ایجاد شد که نهادها و مأموران بیگانه با فرهنگ روستاها نتوانستند آن را پر کنند، بروز انواع جدیدی از فساد، ناتوانی دولت همراه با بی‌توجهی دستگاه‌ها به یاری‌رساندن به روستاها، به‌ویژه در نقاط محروم‌تر و دوردست‌تر و شاید از همه این‌ها مهم‌تر، از میان رفتن خودکفایی روستا و از دست رفتن کلتی که اجزای تشکیل‌دهنده آن طی سده‌ها تکوین و باهم سازگاری یافته بود، از پیامدهای عمده شکست برنامه اصلاحات ارضی بود. ساختار روستاها فروریخت و موج‌های سنگین ناشی از این تلاش

به بخش‌های دیگر ساختار جامعه سرایت کرد و کل ساختار جامعه را به هم‌ریخت (فیوضات، ۱۳۷۵: ۱۲۱-۱۰۵). در مجموع، از آثار و نتایج مهم اصلاحات ارضی در حوزه سیاسی می‌توان به برهم خوردن تعادل در نظام طبقاتی، افزایش روند مهاجرت روستاییان به شهرها، از بین رفتن استقلال علما، بازاریان و زمین‌داران و در نهایت تکروی شاه در اقتصاد و سیاست نام برد.

۲.۸ پیامدهای اقتصادی

باینکه هدف از اصلاحات ارضی، کاهش واردات و افزایش صادرات بود، اما به دلیل عدم توجه به اقتصادی بودن زمینه‌های تقسیم‌شده و عدم کارآمدی سازمان‌های تأسیس‌شده به‌منظور تأمین نیاز کشاورزان، اصلاحات ارضی ناکام ماند و موجبات وابستگی بیشتر بخش کشاورزی به محصولات غذایی و وارداتی شد. واردات محصولات کشاورزی به‌خصوص کالاهای اساسی مانند گندم، جو، گوشت قرمز، برنج، قند، شکر و قند نباتی؛ پس از افزایش درآمد ارزی دولت از فروش نفت در سال ۱۳۵۲ به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافت (ازغندی، ۱۳۹۷: ۲۲۳-۲۲۲). با این نتایج دیدگاه پولانی مبنی بر انباشت اضافه محصول برای صنعتی شدن با اصلاحات ارضی محقق نشد، بلکه بالعکس اصلاحات ارضی بخش بزرگی از جمعیت ایران را که هنوز برای کسب درآمد به تجارت مبتنی بر کشاورزی متکی بودند، با خود بیگانه کرد. مشکل اصلاحات این بود که محمدرضا شاه تا مدت‌ها بعد از این فرآیند، چهارچوب برنامه‌ریزی‌شده‌ای را برای برنامه‌های اقتصادی خود اعمال نکرد (Looney, 1982: 9). به همین دلیل، برنامه‌های توسعه اقتصادی شاه تنها به نفع بخش‌های خاصی از جامعه بود و آشکارا بخش‌های دیگر جامعه را در تنگنا قرار می‌داد. باگذشت زمان، ناامیدی از سیاست‌های اقتصادی او افزایش یافت، زیرا بخش‌های بزرگی از جمعیت ایران از نظر مالی از اصلاحاتی رنج می‌بردند که منجر به مالیات بیشتر برای بخش کشاورزی و مالیات‌های پایین‌تر برای جمعیت نخبگان مبتنی بر سرمایه‌داری شهری شد. برنامه‌های توسعه سوم، چهارم و پنجم شاه که در راستای اصلاحات ارضی به‌دنبال صنعتی‌سازی و جایگزینی واردات بود شکست خورد^۵. برنامه‌های اصلاحات منجر به توزیع نابرابر ثروت، افزایش تحرک اجتماعی، تغییر در ساختار طبقاتی و کاهش سریع و گسترده در بخش کشاورزی ایران شد (Milani, 1993: 59-60). اصلاحات ارضی در قالب اقدامات مدرنیزاسیون، تعادل بین اهداف اقتصادی و حفظ ثبات اجتماعی را به هم ریخت و رژیم در میانجیگری درگیری‌ها نتوانست نقش ایفا کند، چنانچه مخالفین

به‌وضوح اصلاحات ارضی را نه‌تنها تهدیدی برای سنت ایرانیان، بلکه آسیبی به ساختار تجاری ایران می‌دانستند.

تا سال ۱۳۴۵ یعنی در پایان اولین مرحله اصلاحات ارضی و چهار سال پس از سقوط دولت امینی تقریباً ۱۴۰۰۰ روستا (۳۰ درصد روستاها)، کلاً یا جزئاً میان بیش از نیم‌میلیون خانواده (تقریباً حدود ۳۰ درصد از جمعیت روستایی) توزیع شد. تکه‌های زمین تخصیص داده‌شده به کشاورزان آن‌قدری نبود که به درد زراعت سودآور حتی با معیارهای پیشاصنعتی بخورد، آن‌هم در کشوری که منابع آب محدود، و بازدهی محصول اندک بود. مراحل دوم و سوم اصلاحات ارضی (سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۸) محافظه‌کارانه‌تر بود و به مالکان اجازه داد زمین‌های زراعی بیشتری را برای خود نگه‌دارند. به‌علاوه، دولت غالباً در ارائه وام کافی و همچنین فراهم آوردن ماشین‌آلات برای شرکت تعاونی‌های نوظهور کشاورزی که قرار بود کار اربابان را انجام دهند ناکام بود. تا پایان سال ۱۳۴۷، در سراسر ایران بیش از ۸۵۰۰ شرکت تعاونی روستایی ایجاد شده بود، ولی تعداد خیلی کمی از آن‌ها قدرت رقابت اقتصادی داشتند. در عین حال، شرایط سخت کار و زندگی در روستاها هم، از سرعت پیشرفت اصلاحات ارضی می‌کاست (امانت، ۱۴۰۰: ۶۴۷).

سیاست‌های اصلاحات اقتصادی باعث شد از میان نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت روستایی، طبقه مالک زمین جدیدی ایجاد شود، اما ۴۰ درصد باقیمانده از جمعیت روستایی که از طریق اصلاحات دارایی نداشتند، خوش‌نشینان بودند (Panah, 2007: 28). این گروه مجبور به کار با دستمزد کم و شرایط بسیار بد زندگی بودند. شرایط ناچیز زندگی اساساً بخش بزرگی از خوش‌نشینان را برانگیخت تا برای کار به شهرها مهاجرت کنند، اما اقتصاد شهری که از قبل شکننده‌تر بود باعث شد نیروی کار بیکار در شهرها گسترش یابد. اصلاحاتی که شاه معتقد بود حامیان بیشتری برای او به ارمغان می‌آورد، فقط به «بورژوازی وابسته» و «سرمایه بین‌المللی» کمک کرد (معدل، ۱۳۸۲: ۶۵). شاه به‌جای فرموله کردن فرآیند انتقال مناسب موردنیاز برای تبدیل کشور از جامعه‌ای عمدتاً کشاورزی به جامعه‌ای صنعتی، بر بخش صنعتی تمرکز کرد. این حرکت خشم دهقانان را برانگیخت که احساس می‌کردند فریب‌خورده‌اند تا زمین از دولت بخرند. کسانی که از اصلاحات سود بردند خانواده اشرافی ثروتمند وابسته به بخش مالکیت بانک‌های خصوصی، مراکز ارتباطی مدرن، بخش صنعتی و برخی از دوستان و خانواده شاه در بخش تجارت کشاورزی بودند. یعنی سیاست‌های اقتصادی اجراشده توسط محمدرضاشاه تنها به کسانی کمک کرد که با شیوه‌های تولید سرمایه‌داری مرتبط بودند. رکود اقتصادی ناشی از

سیاست‌های او، ایرانیان تحصیل کرده بیکار را علیه سلطنت وی برانگیخت. بازاریان از علما علیه محمدرضا شاه حمایت مالی کردند، زیرا دارای سابقه طولانی با تشکیلات مذهبی بودند. زمین‌داران نیز متأثر از اصلاحات اقتصادی برای بازگرداندن ثبات و درآمد با جمعیت زیادی از توده‌های ایرانی در سرنگونی شاه همکاری کردند. بیشتر ایرانیان احساس می‌کردند که سیاست‌های شاه ناعادلانه است و به‌جای ایجاد تنوع در اقتصاد و تثبیت ملت، برافزایش سود برای دوستان و خانواده‌اش استوار است. این تصور، همان چیزی است که پیشتر موجب حمایت امام خمینی (ره) و دیگر چهره‌های اپوزیسیون از مردم ایران شده بود. سرانجام اصلاحات به‌جای این‌که پاسخگویی به انتظارات عمومی در حوزه‌های اقتصادی باشد، موجب افزایش نارضایتی‌های گسترده گردید. در نتیجه از نظر اقتصادی، اهدافی که در اصلاحات ارضی دنبال می‌شد نه تنها به نتیجه نرسید، بلکه برنامه‌های اصلاحات ارضی در به‌وجود آوردن تحول اقتصادی و اجتماعی اصیل در کشور موفق نبودند (وشمه و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۱). به‌عبارتی، اجرای برنامه‌های اقتصادی اصلاحات ارضی، از توسعه اقتصادی و سیاسی جلوگیری نمود و موجبات نارضایتی عمومی را فراهم کرد.

۹. اهمیت اصلاحات ارضی در تحلیل انقلاب اسلامی

باتوجه به آنچه گفته شد، در نتیجه اصلاحات ارضی، تغییرات و دگرگونی‌هایی در زمینه مالکیت زمین، تحرک اجتماعی، ساختار طبقاتی، مناسبات و روابط تولید و جابجایی در ترکیب گروه‌های حاکم به‌وجود آمد که در زمینه‌سازی وقوع انقلاب اسلامی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نقش داشتند. در کنار تحلیل فرهنگی و دینی از انقلاب اسلامی تئوری اقتصادی و سیاسی پولانی نیز اهمیت دارد. تئوری او نشان می‌دهد که اصلاحات ارضی چگونه باعث واکنش اجتماعی شد. در برابر پیامدهای منفی اقتصادی و سیاسی و نیروهای بی‌بندوبار بازار، جامعه ایران برای محافظت از خود واکنش نشان داد و با محوریت دین از مقررات یا سیستم‌های جایگزین برای کاهش تأثیرات بر شیوه زندگی خود دفاع کرد.

شکل گرفتن طبقات اجتماعی ناهمگون که بخش زیادی از این طبقات به‌دلیل نداشتن جایگاه و عدم نقش‌آفرینی در ساختار قدرت در طبقه فرودست جامعه قرار می‌گیرد، یکی از عوامل مؤثر بر انقلاب اسلامی بوده است. خوش‌نشینان به‌عنوان آسیب‌دیده‌ترین قشری بودند که برنامه اصلاحات ارضی، آن‌ها و خواسته‌هایشان را نادیده گرفته بود. این قشر اجتماعی گسترده، به تدریج ناگزیر شد روستاها را ترک کند و به شهرها روی آورد. از آنجاکه امکان

جذب شدن در بافت شهری برای این قشر نبود، به زندگی حاشیه نشینی در مرزهای بیرونی شهرها روی آوردند و زندگی سخت و آکنده از تبعیض و نابرابری و تحقیر آن‌ها، و بیگانگی فرهنگی و تعارضات شدیدی که با فرهنگ حاکم بر شهرها احساس می‌کردند، آن‌ها را به واکنش‌هایی در جریان انقلاب اسلامی برانگیخت (ازکیا، ۱۳۶۵: ۲۲۲). درحقیقت، مهاجرت روستاییان به شهرها نه تنها موجب افزایش جمعیت شهرها و مواد غذایی شد و کاهش اراضی زیر کشت بخش کشاورزی را با مشکلات زیادی روبه‌رو ساخت، بلکه رفت‌وآمد روستاییان به شهرها و شنیدن حرف‌های تازه و آشنا شدن با محیط اجتماعی و فرهنگی جدید و خلاصه پیوند با جامعه شهری، دگرگونی اساسی در ساختار فکری و اجتماعی روستاییان به وجود آورد، به نحوی که به انسان بی‌هویتی مبدل شدند که درنهایت برای رهایی خود از بلا تکلیفی فرهنگی به نهضت ضد استبدادی پیوستند (ازغندی، ۱۳۹۷: ۱۹۳)، و از طریق احساس محرومیت، پتانسیل انقلابی آن‌ها افزایش یافت (رفیع پور، ۱۳۸۰: ۸۲).

اصلاحات ارضی همچنین سبب به هم خوردن سامان اجتماعی و به دنبال آن اقتصادی گردید، به طوری که واکنش رفتار جمعی مردم ایران در برابر این تغییر ساختار را در پی داشت و به نحو مستقیم بر دگرگونی‌های سیاسی تأثیرگذار و نقش آفرین بود (اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۱۵۲). به عنوان مثال، این اصلاحات تأثیری اساسی بر عملکرد جریان‌ها و چپ در ایران داشت و خصوصاً مارکسیست‌های توده‌ای را که در سال ۱۳۴۲ استراتژی شورش مسلحانه و دهقانی در پیش گرفته بودند به انزوا و انفعال دچار ساخت (بهنود، ۱۳۸۱: ۴۸۲). این موضوع به طور ضمنی سبب ساکت کردن، خلع سلاح نمودن و منفعل گرداندن طیفی از نیروهای سیاسی شد که به مسائل اجتماعی و خصوصاً دهقانی با دیدی انتقادآمیز و حتی تهاجمی می‌نگریستند. از همین رو، انجام این اصلاحات را می‌توان معیار و «منشأ یک تحول عمیق و اساسی در جامعه ایران دانست، که نطفه انقلاب اسلامی را که به سقوط شاه انجامید، در بطن خود داشت» (روحانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

نابرابری این سیاست به زودی به نقطه محرکی برای مخالفت در بین اقشار مختلف تبدیل شد. از همین رو، تغییر مالکیت ارضی را می‌توان یکی از دلایل سیاسی اجتماعی برای فهم وقوع انقلاب اسلامی دانست. چراکه چگونگی میزان مالکیت زمین توسط کشاورزان و فئودال‌ها ثبات یا بی‌ثباتی یک رژیم سیاسی را نیز مشخص می‌نماید. در همین ارتباط، میزان کم مالکیت زمین توسط دهقانان به طوری که آنان بتوانند زندگی بخورونمیری داشته باشند و یا تغییر در مالکیت زمین در اثر اصلاحات ارضی، به طوری که این اصلاحات منجر شود دهقانان از

بی‌زمینی به مقدار کمی زمین دست یابند، قدرت بالقوه انقلابی آن‌ها را افزایش می‌دهد. پس اگر اصلاحات ارضی به درستی انجام نشود، یعنی دهقانان را مالک مقدار کمی زمین نماید که در ایران چنین شد، توان بالقوه انقلابی آن را افزایش می‌دهد (عمومی، ۱۳۹۸: ۸۹-۸۸). در ایران به این عوامل باید افزایش فقر، شدت یافتن فاصله طبقاتی و تبعیض اجتماعی که موجب پیدایش گروه‌های سیاسی مخالف حکومت شد را نیز اضافه کرد که موجبات پیوستن جوانان حاشیه‌نشین به احزاب و گروه‌های سیاسی را به دنبال داشت (بهروز، ۱۳۸۰: ۱۰۱). در کنار بسیج و سازمان‌دهی مخالفت عمومی مساجد و بازارها (بشیریه، ۱۳۹۷: ۱۶۸) طبقات آسیب‌دیده از اصلاحات ارضی نقش بارزی در انقلاب اسلامی داشتند. اصلاحات ارضی، زمینه بروز تنش بین علما و رژیم را نیز فراهم کرد، به گونه‌ای که در سال ۱۳۴۰ حدود ۴۰.۰۰۰ مورد از اراضی موقوفه در کشور وجود داشت و به موجب مفاد مرحله دوم برنامه اصلاحات ارضی، دارندگان موظف شدند در مورد اجاره ۹۹ ساله اراضی مذکور با نسق‌داران مذاکره کنند. در اغلب موارد میزان اجاره پرداختی نسق‌داران کمتر از میزان پرداختی آنان تحت شرایط پیشین بود که موجب کاهش عواید علما گردید (میلانی، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

پس از اجرای قوانین اصلاحات ارضی ورود مالکان در عرصه فعالیت‌های مالی، تجاری و صنعتی و حتی کشاورزی مکانیزه که ارتباط گسترده‌ای با برنامه‌های اصلاحی و ضوابط مالی و اداری دستگاه حکومتی داشت وابستگی آنان به دربار و مراکز مالی و صنعتی شهری بیشتر شد، به نحوی که به‌اجبار به مجموعه‌ای به رهبری شاه پیوستند. «اربابان بورژوا شده، شاه را بزرگ‌ترین و پیگیرترین حامی خود یافتند و در پشت سر او سنگر گرفتند. به همین مناسبت اصلاحات ارضی الهام گرفته از بالا به عامل شتاب‌دهنده و مؤثری در فاسدتر کردن هر چه بیشتر رژیم شاه بدل شد» (سوداگر، ۱۳۷۸: ۲۸۷)؛ به نحوی که با افزایش وابستگی این نیروها به شاه، زمینه استبداد رژیم پهلوی فراهم گردید، و زمینه تمرکز قدرت و بسته شدن دریچه‌های دموکراسی را موجب شد.

اصلاحات ارضی برای زندگی دهقانان و اکثریت روستائینان بدون زمین و مستأجر سم مهلک بود. البته واکنش دهقانان روستایی با خصومت و مقاومت منفعلانه در برابر اقتدار دولتی همراه بود، به طوری که از نظر هوگلاند دو طبقه دهقانان و عشایر چندان فعالیتی در حرکت‌های سیاسی دهه ۵۰ نداشتند. باید به این نکته توجه کرد که گفته هوگلاند همه دهقانان را شامل نمی‌شود، چون دهقانانی که در روستاهای نزدیک شهرها سکونت داشتند نقش فعال‌تری در انقلاب اسلامی داشتند و به این لحاظ نقشی مانند مهاجران روستایی ساکن مناطق شهری

به‌عهده داشتند (هوگلاند، ۱۳۹۲: ۲۰۷). طبقات حاشیه شهری جدید، مذهبی بودند، نیاز به تحصیل را عمیقاً احساس می‌کردند، از دولت و طبقه‌های بالای جامعه که قدرت و ثروت را در انحصار گرفته بودند شدیداً ناراضی بودند. این احساسات به‌خصوص مابین جوانان بسیار شدید بود. این طبقه به‌وضوح نقش برجسته‌ای در تظاهرات خیابانی و حرکت‌های توده‌ای داشتند و نقش قابل توجهی در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا نمودند (ذوالفقاری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۹-۲۵۰). بازاریان نیز در واکنش به سیاست‌های اقتصادی محمدرضاشاه، در پیوند با روحانیت وارد عرصه مبارزات انقلابی شد. در مورد نقش بازاریان در سرنگونی شاه می‌توان بیان داشت بازاریان در جریان انقلاب اسلامی جزء بازیگران اصلی بودند. بازار توانست با حمایت‌های متعدد از انقلابیون، اعتصابات سراسری و تعطیلی بازارها رژیم شاهنشاهی را فلج کرده و نقش برجسته‌ای در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کند. از آن جهت که تمام رسانه‌ها در اختیار دولت پهلوی بود مهم‌ترین کاری که می‌توانستند انجام دهند اعتراض از طریق بسته شدن بازار بود که بسته بودن بازار به معنای وجود اعتراضی است که منجر به اعتراض مردم و آگاهی آن‌ها نسبت به اقدامات رژیم می‌شد.

بر اساس نکاتی که بیان گردید، روشن است که بخش مهمی از معترضین در جریان فعالیت‌های انقلاب اسلامی را حاشیه‌نشینان شهری آسیب‌دیده از اصلاحات ارضی تشکیل می‌دادند، این گروه به‌خاطر فعالیت در صنایع پیرامون شهرهای بزرگ و کسب آگاهی از زیست‌ناعادلانه خود و همچنین با دیدن زندگی طبقات مرفه‌تر شهرها از این فاصله طبقاتی ناراضی بوده و به اعتراض سیاسی به‌عنوان امکانی برای تغییر و تحول روی آوردند (کشیشیان سیرکی و نیرومند آلانکس، ۱۴۰۱: ۲۳۸). همچنین از نظر باور دینی و فرهنگی نیز با نظام سیاسی شکاف رخ داده بود. در حقیقت، اجرای اصلاحات ارضی، نقش عظیمی در تغییر بافت جمعیتی ایران از طریق مهاجرت روستاییان به شهرها ایفا نمود و سپس بر ساختار فرهنگی، اقتصادی و مناسبات سیاسی ایران چنان تأثیر ژرفی بر جا گذاشت که می‌توان یکی از پیامدهای مهم آن را انقلاب اسلامی دانست (لیلاز، ۱۳۹۲: ۱۰۱). در نتیجه، می‌توان بیان داشت که پیامدهای سیاسی و اقتصادی ناشی از اصلاحات ارضی از جمله الغای رژیم ارباب‌ورعیتی، تغییر ساختار طبقاتی و افزایش مهاجرت از روستا به شهر؛ سبب شکل‌گیری زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی در کنار سایر علل مؤثر بر آن گردید.

۱۰. نتیجه‌گیری

پولانی بر تعبیه اقتصاد در جامعه تأکید دارد. اصلاحات ارضی که به اندازه کافی بافت اجتماعی و فرهنگی ایران را در نظر نگرفت، روابط و شیوه‌های سنتی مرتبط با زمین را مختل کرد. به عبارتی پیامدهای اقتصادی سیاسی اصلاحات ارضی منجر به نابسامانی اجتماعی و ناآرامی شد. به همین منظور نشان داده شد که این پیامدها در کنار عامل فرهنگی (دین) به چه نحوی می‌تواند به فهم شکل‌گیری زمینه‌های انقلاب اسلامی کمک کند. برخی از این پیامدها شامل بحران اقتصادی و اجتماعی، برهم‌کنش سیاسی و اجتماعی، عدم رضایت مردم از رژیم و نظام قدرت، هویت ملی و دینی مردم ایران و استبداد و سانسور رسانه‌ای می‌باشند. برای تحلیل این پیامدها در چارچوب نظریه پولانی، اولاً نشان داده شد که چگونه آگاهی مردم از شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور به تغییر در رفتار آن‌ها منجر شد. دوماً، نشان داده شد که چگونه سازمان‌های اجتماعی و سیاسی و طبقات مختلف در بسیج مردم و ستیز با حکومت و نظام قدرت نقش داشتند. ثالثاً نشان داده شد که چگونه شرایط اقتصادی، در تحریک مردم و آماده‌سازی زمینه وقوع انقلاب اسلامی تأثیر گذاشتند. با نگاهی تاریخی به اصلاحات ارضی بیان شد که این اصلاحات سلسله‌مراتبی بودند که در دهه‌ی ۴۰ آغاز شد و به‌طور مداوم در سه مرحله در طول دهه‌ی ۵۰ ادامه یافت. این اصلاحات با پیگیری اهداف اقتصادی و سیاسی به‌منظور توسعه کشاورزی، نوسازی بخش‌های شهری، بهبود اداره کشور، و کاهش واردات و افزایش صادرات انجام شدند، اما با شکست مواجه شد. چراکه در چارچوب دیدگاه پولانی، کشاورزی اضافه محصولی که لازمه صنعتی شدن بود را به‌هیچ‌وجه فراهم نکرد. آثار اقتصادی اصلاحات ارضی حاکی از آن است که نه تنها مازاد تولید و صادراتی صورت نگرفت، بلکه واردات محصولات کشاورزی به‌خصوص کالاهای اساسی با فروش نفت به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. همچنین از منظر سیاسی، نه تنها اصلاحات ارضی زمینه دموکراسی و فعالیت مستقل برای دهقانان را فراهم نکرد، بلکه بالعکس مقوم نظام استبدادی تک‌نفره محمدرضا شاه گردید. این اصلاحات در بسیاری از مناطق ایران با موفقیت روبرو نشدند و عده‌ای نیز به انعکاس این اصلاحات در جامعه‌ی ایران اعتراض داشتند. نتیجه‌ی این اعتراضات، افزایش شدید احساسات مردمی علیه دولت محمدرضا شاه بود که در نهایت به شکل انقلاب اسلامی خود را نشان داد. در اصل، انقلاب اسلامی ایران از منظر اصلاحات ارضی عمدتاً مبتنی بر دو عامل بود: نخست، نارضایتی از بی‌ثباتی و فساد رژیم که از پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی بود، و ثانیاً، نارضایتی از بی‌توجهی به مطالبات مردم که نتیجه اصلاحات اقتصادی بود. با روشن شدن این

مسائل، حرکت خشمگینانه علیه دولت پهلوی شروع گردید. بسیاری از مردم به شدت ناراضی و ناامید به این نتیجه رسیدند که تنها با خلع محمدرضا پهلوی و دستگاہ حکومت وی، توانایی تغییر وضعیت ایران را خواهند داشت. درحقیقت، اصلاحات ارضی شاه، هرچند با اهداف مناسبی دنبال شد، اما در بهره‌برداری کافی از این اصلاحات به‌عنوان یک الگوی اصلاحاتی وارداتی در جامعه‌ی ایران ناکام بود. انقلاب اسلامی را می‌توان واکنشی اجتماعی به این سیاست‌های ناکام و بازارمحور رژیم شاه دانست. تئوری پولانی نشان می‌دهد که واکنش‌های اجتماعی، در این مورد، تلاش‌هایی برای محافظت از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در برابر تهدیدات محسوس نیروهای بازار بود که درنهایت با ساقط شدن رژیم پهلوی، به فراهم شدن زمینه‌های اقتصادی و سیاسی انقلاب اسلامی کمک کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در توضیح بیشتر باید گفت که حدود هفت الی ۱۰ هکتار زمین لازم بود تا خانواده کشاورز تأمین معاش کند و مازاد آن را هم بفروشد که این مقدار زمین به خانواده‌های روستایی تعلق نگرفت، بلکه تنها قطعه زمینی کوچک در اختیار آن‌ها قرار داده شد.
۲. برای مطالعه بیشتر در زمینه روند اصلاحات ارضی ر. ک: هوگلاند، اریک جیمز. (۱۳۹۲). *زمین و انقلاب در ایران*. ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: پردیس دانش؛ رحمانیان، داریوش؛ عبداللهی، محمدجواد. (۱۳۹۶). از بیکاری پنهان به بیکاری آشکار: تأثیر اصلاحات ارضی در به رسمیت شناختن بیکاری. *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۷ (۱): ۱۳۵-۱۰۹؛ مهربان، رسول. (۱۳۹۸). *اصلاحات ارضی*. تهران: نشر افکار.
۳. به گفته لونی (۱۹۸۲: ۴۶) «تعدادی گزینه در اختیار مالکان روستاهای باقی‌مانده در آن زمان قرار گرفت. این‌ها شامل» (۱) اجاره دادن زمین خود به دهقانان بود. (۲) تقسیم زمین خود با دهقانان بر اساس مالکیت نیروی کار، بذر آب زمین و گاو. (۳) فروش زمین خود به دهقانان. (۴) تشکیل واحدهای کشاورزی با دهقانان با سهام هر گروه که بر اساس عوامل مالکیت تعیین می‌شود. (۵) خرید حقوق دهقانان و به‌کارگیری آن‌ها به‌عنوان کارگران مزدور».
۴. خوش‌نشینان قشر وسیعی از روستاییان بودند که از زمین زراعی سهمی نبردند و به‌همین دلیل برای همیشه دستشان از زمین کوتاه شد و امید خود را در این باره از دست دادند و به روستا و امور آن بی‌علاقه شدند (زاهد، ۱۳۹۴: ۵۵).
۵. به گفته رابرت ای. لونی (۱۹۸۲: ۴۰) «صنعتی سازی جایگزین واردات همان‌طور که در ایران اجرا شد چندین عدم تعادل بخش شدید را ایجاد کرد. از آنجایی که شرایط تجارت بر ضد کشاورزی بود (به دلیل افزایش هزینه تولیدکنندگان برای بخش کشاورزی)، تولید کشاورزی کاهش یافت. به‌طورمعمول در طول

زمان، این فرآیند خود تصحیح می‌شود و در نهایت عرضه کوتاه کشاورزی روند کاهشی قیمت را معکوس می‌کند. با این حال، درآمدهای نفتی اجازه واردات تقریباً نامحدود مواد غذایی را با قیمت ثابت می‌داد. در نتیجه ایران نه تنها واردکننده خالص کالاهای کشاورزی از جمله غلات در دهه ۱۹۷۰ بود، بلکه شکاف بین مصرف مواد غذایی و تولید داخلی با سرعت نگران‌کننده‌ای در حال افزایش بود.

۶. در اوایل سال ۱۳۵۷ شاه تعدادی از دهقانان را برای حمله به تظاهرات به نفع خود بسیج کرد، اما این برنامه نیز شکست خورد.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه محمدابراهیم فتاحی، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- آوری، پیتر. (۱۳۷۱). *تاریخ معاصر ایران*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات عطائی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۷). *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۳۰-۱۳۵۷)*. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۶۵). *جامعه‌شناسی توسعه، توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- اسفندیاری، مهسا. (۱۳۹۴). *تأثیرات سیاسی و اجتماعی اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ ه. ش.* پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- اسماعیلی، علیرضا؛ بیانی، علی. (۱۳۸۹). *روند، ساختار و کارکرد توسعه سیاسی-اقتصادی از اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۴۰)*. *مطالعات سیاسی*، ۲ (۸): ۱۹۰-۱۷۵.
- امامی خویی، محمدتقی؛ ضیایی، نرگس. (۱۳۸۷). *اصلاحات ارضی و تأثیرات اقتصادی آن بر جامعه کشاورزی ایران*. مسکویه، ۴ (۵): ۸۶-۵۹.
- امانت، عباس. (۱۴۰۰). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه م. حافظ، تهران: نشر فراگرد.
- امیراحمدی، هوشنگ. (۱۳۸۱). *جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی*. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- امیری، عبدالکریم؛ جمشیدی، ایرج. (۱۳۹۸). *بررسی حقوقی اصلاحات ارضی و نتایج آن پیش از پیروزی انقلاب و پس از آن*. *مطالعات حقوقی*، ۳۰ (۹): ۱۰-۱.
- انصاری، رسول. (۱۳۹۸). *تأثیر پیامدهای انقلاب سفید در رخداد انقلاب اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۷). *زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران*. ترجمه علی اردستانی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بهروز، مازیار. (۱۳۸۰). *شورشیان آرمان‌خواه*. ترجمه مهدی پرتوی، تهران: انتشارات ققنوس.
- بهنود، مسعود. (۱۳۸۱). *از سیدضیا تا بختیار*. چاپ نهم، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.

تحلیل و بررسی پیامدهای اصلاحات ... (سیدمهدی ساداتی نژاد و محمدرضا صالحی وثیق) ۸۳

پولانی، کارل. (۱۳۹۹). دگرگونی بزرگ، خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما. ترجمه م. مالجو، تهران: نشر شیرازه کتاب ما.

تجدد، حسین. (۱۳۸۷). پیامدهای مثبت و منفی اجرای قانون اصلاحات ارضی در ایران، مجله حافظ، ۵۴ (۷): ۵۶-۵۰.

پهلوی، محمدرضا. (۱۳۸۸). پاسخ به تاریخ. به کوشش شهریار ماکان، تهران: انتشارات البرز. خرمشاد، محمداقبر؛ موسی نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۶). دولت پهلوی، اصلاحات ارضی و نظریه توسعه روستو. علوم اجتماعی، ۲۶ (۷۶): ۱۷۴-۱۴۵.

ذوالفقاری، غلامرضا؛ پرتوی، اصغر؛ ذوالقدر، مالک؛ جعفری پابندی، سیدفرشید. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر سیاست‌های توسعه‌ای پهلوی دوم بر طبقات اجتماعی در ایران. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳ (۱): ۲۵۹-۲۳۹.

رحمانیان، داریوش؛ عبداللهی، محمدجواد. (۱۳۹۶). از بیکاری پنهان به بیکاری آشکار: تأثیر اصلاحات ارضی در به رسمیت شناختن بیکاری. تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۷ (۱): ۱۳۵-۱۰۹.

رستمی، عادل؛ دهقان نژاد، مرتضی؛ محمودآبادی، سیداصغر. (۱۳۹۸). تأثیر سیاست‌های اقتصادی در تقابل بازاریان با حکومت (۱۳۲۰-۱۳۵۷). تحقیقات تاریخی، ۲۹ (۳): ۶۷-۳۶.

رسولی‌پور، مرتضی. (۱۳۹۴). گفت‌وگو با عباس سالور. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. رضانژاد، نقی؛ قره‌داغی، معصومه؛ صدیقی، ناصر؛ صدری، منیژه. (۱۳۹۸). روایتی مقایسه‌ای از زمین و سیاست در دوران حکومت پهلوی دوم. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲ (۴): ۴۴۴-۴۲۵.

رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۰). توسعه و تضاد. تهران: شرکت سهامی انتشار.

روحانی، سیدحمید. (۱۳۸۴). رژیم اسرائیلی و اصلاحات ارضی شاه. مجله پانزده خرداد، ۳ (۸۴): ۲۱۴-۱۸۱.

زاهد، فیاض. (۱۳۹۴). گذری بر قانون اصلاحات ارضی در ایران. پژوهشنامه تاریخ، ۳ (۱۱): ۱۲۲-۹۱. سوداگر، محمدرضا. (۱۳۷۸). رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: (مرحله گسترش) ۱۳۴۴-۱۳۵۷. چاپ دوم، تهران: انتشارات فرزین.

عجمی، اسمعیل. (۱۳۴۸). اثرات اصلاحات ارضی (پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی روستایی). مجله خرد و کوشش، ۱ (۴۸): ۴۷-۲۵.

علاف آشتیانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). دستورالعمل اصلاحی ضوابط واگذاری اراضی منابع ملی و دولتی برای طرح‌های کشاورزی و غیرکشاورزی. تهران: نشر آموزش.

عمویی، حامد. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر عوامل اقتصادی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی. جستارهای انقلاب اسلامی، ۱ (۲): ۱۰۴-۸۰.

عمید، محمدجواد. (۱۳۸۱). *کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران*. ترجمه رامین امینی نژاد، تهران: نشر نی.

عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۰). *طبقات اجتماعی و رژیم شاه*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

فرهنگ، منوچهر. (بی تا). *زندگی اقتصادی ایران*. جلد ششم، تهران: انتشارات ابوریحان.

فوران، جان. (۱۳۸۹). *مقاومت شکننده*. چاپ دهم، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

فیوضات، ابراهیم. (۱۳۷۵). *دولت در عصر پهلوی*. تهران: چاپخش.

کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۸۹). *اقتصاد سیاسی ایران*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ شانزدهم، تهران: نشر مرکز.

کشیشیان سیرکی، گارینه؛ نیرومند آلانکش، مهین. (۱۴۰۱). تأثیر اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ بر حاشیه نشینی و اعتراضات سیاسی-اجتماعی در ایران. *سیاست پژوهی اسلامی ایرانی*، ۱ (۴): ۲۴۲-۲۱۸.

گرو، خاویر. (۱۳۹۷). *دولت کارتر و فروپاشی دودمان پهلوی*. ترجمه غلامرضا علی بابایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پارسه.

لمتون، ا.ک.س. (۱۳۷۷). *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

لیلاز، سعید. (۱۳۹۲). *موج دوم تجدد آمرانه در ایران*. تهران: انتشارات نیلوفر.

مجموعه اصلاحات ارضی (۱۳۴۴). تهران: چاپخانه اختصاصی مجلس شورای ملی.

معدل، منصور. (۱۳۸۲). *طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران*. ترجمه محمد سالار کسرابی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

ملک محمدی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). *از توسعه لرزان تا سقوط شتابان*. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

موسی نژاد، محمدجواد؛ خرمشاد، محمدباقر. (۱۳۹۷). *انقلاب اسلامی ایران و زمین؛ پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران*. *ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران*، ۱ (۴): ۴۴-۶.

مهربان، رسول. (۱۳۹۸). *اصلاحات ارضی*. تهران: نشر افکار.

وزارت کشاورزی، اداره کل، اطلاعات و روابط عمومی. (۱۳۶۱). *آزادی دهقان*.

وشمه، علی؛ ترابی فارسانی، سهیلا؛ جدیدی، ناصر. (۱۳۹۶). *سیاست های اقتصادی حکومت پهلوی دوم در زمینه صنعت با تأکید بر روابط ایران و آلمان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ ش/۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸ م*. *پژوهش های تاریخی*، ۹ (۳): ۶۷-۷۸.

هالیدی، فرد. (۱۳۵۸). *ایران: دیکتاتوری و توسعه*. ترجمه محسن یلفانی و علی طلوع، تهران: انتشارات علم.

همایونی، فرمان. (۱۳۵۱). *راجع به تقسیم املاک سلطنتی*. تهران: انتشارات وزارت تعاون و عمران روستاها.

تحلیل و بررسی پیامدهای اصلاحات ... (سیدمهدی ساداتی نژاد و محمدرضا صالحی وثیق) ۸۵

هوگلاند، اریک جیمز. (۱۳۸۰). اصلاحات ارضی؛ اراده نیمه‌تمام. مجله گفتگو، ۳۲ (۸۰): ۷۸-۷۷.
هوگلاند، اریک جیمز. (۱۳۹۲). زمین و انقلاب در ایران. ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: پردیس دانش.

Looney, R. E. (1982). *Economic origins of the Iranian Revolution*. Elmsford, N.Y: Pergamon Press.

Kojoori-Saatchi, A. E. (2010). *The Culture of revolution: Revolutionary transformation in Iran*. UNLV Theses, Dissertations, Professional Papers, and Capstones. 814.

<http://dx.doi.org/10.34917/2153789>.

Kamali, M. (1998). *Revolutionary Iran: civil society and state in the modernization process*. Brookfield, Vt: Ashgate.

Milani, M. M. (1993). "Power Shifts in Revolutionary Iran." *Iranian Studies*, 26 (3/4): 359-374.

Panah, M. (2007). *The Islamic republic and the world: global dimensions of the Iranian revolution*. London; Ann Arbor, MI: Pluto Press.

Polanyi, K. (1944/2001). *The great transformation*. The political and economic origins of our times. Beacon Press.

